

واکاوی موانع سیاسی و فرهنگی گسترش تشیع زیدی در دوره اول حکومت زیدیان یمن (۲۸۴ - ۵۳۲ ق)

محمدتقی سازندگی^۱

چکیده

مذهب تشیع در سرزمین یمن، دارای سابقه‌ای دیرین بوده و از اواخر قرن سوم هجری، دولت‌ها و حکومت‌های متعدد شیعی در این پهنه جغرافیایی تشکیل شده است. در میان این حکومت‌ها، سلسله زیدیه با توجه به طول عمر و نقش بسزای خود در ترویج و اشاعه مکتب تشیع، جایگاهی ویژه و حائز اهمیت دارد. در پژوهش حاضر این سوال مطرح است که موانع سیاسی و فرهنگی گسترش تشیع زیدی در دوره اول حکومت زیدی در یمن چه بوده است؟ هدف تحقیق این است که ضمن واکاوی موقعیت تشیع زیدی، موانع سیاسی و فرهنگی پیشروی و گسترش عقاید تشیع زیدی نیز بررسی و تحلیل شود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این امر دخیل بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به ناامنی و شورش قبایل، انشقاقات درونی و ناتوانی جانشینان در اداره حکومت اشاره کرد. شناخت معیارها و ملاک‌هایی که امامان زیدیه در راستای مدیریت و حکومت و نیز روش برخورد با مخالفان خود داشتند، از دیگر نتایج این پژوهش است.

واژگان کلیدی: زیدیه، یمن، تشیع زیدی، امامان رسی، الهادی الی الحق.

۱. دکترای تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی، قم، ایران؛ 92@mt.sazandegi@gmail.com.

مقدمه

مورخان، ادوار تاریخ حکومت زیدیه در یمن را بر اساس تحول اوضاع سیاسی، افول و صعود یک حکومت و یا شکوفایی زندگی فکری و فرهنگی - تمدنی، به چهار دوره تقسیم می‌کنند. دوره اول (۲۸۴ - ۵۳۲ق) از حیث ظهور دولت‌های مستقل و نیمه مستقل در منطقه یمن، یکی از ادوار مهم تاریخ شیعه زیدی در یمن به شمار می‌رود. این دوره از سال ۲۸۴ق با ورود الهادی الی الحق به یمن آغاز می‌شود و تا سال ۵۳۲ق ادامه می‌یابد. تا زمان ظهور متوکل علی الله، احمد بن سلیمان (م ۵۶۶ق) و آغاز دور دوم حکومت زیدیه، به دلیل ظهور ضلیحیان (حک ۴۳۹-۵۳۲ق)، شاهد یک دوره فترت صد ساله در میان زیدیه هستیم. در این دوران، فعالیت سیاسی زیدیه به افول و انزوا گرایید.

این پژوهش، به بررسی موانع ترویج و گسترش تشیع در دوره اول حکومت زیدیه یمن می‌پردازد. در این میان، سؤال این است که گسترش تشیع زیدی در یمن در دوره اول حکومت زیدی با چه موانعی روبرو بوده است؟ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که موانع سیاسی و فرهنگی، از جمله عوامل مهم ناپایداری حکومت زیدیه در این دوره بوده‌اند. با وجود مجاهدت‌های امامان زیدی و تلاش‌های علمی و فرهنگی آنان در زمینه‌هایی مانند تفسیر و تبیین دستورات اسلام و قرآن و تربیت شاگردان، مذهب زیدی در این دوره، گسترش و ترویج چندانی نیافت. بنابراین بررسی موانع این موضوع، ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند ما را در درک بهتر چالش‌های پیشروی و ترویج مذهب زیدیه یاری رساند. هدف از این تحقیق، بررسی و تحلیل این موانع در دوره حساس و پرچالش اول است. برای نیل به این هدف، از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد تاریخ زیدیه انجام شده، اما به طور خاص، موانع ترویج و گسترش مذهب زیدی در دوره اول حکومت زیدیه یمن بررسی نشده است. این تحقیق می‌تواند به پر کردن این خلاء در مورد تاریخ زیدیه یمن کمک کند. از پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله می‌توان به این آثار اشاره کرد:

کتاب تاریخ الفرقه الزیدیه بین القرنین الثانی و الثالث الهجری که توسط فضیلت شامی

نوشته شده است. این کتاب بیشتر به بررسی فرقه‌های زیدیه و قیام‌ها و مباحث کلامی و عقیدتی آنها می‌پردازد؛ درحالی‌که فقط در فصل هفتم، به زیدیه یمن، آن هم در دوره حکومت الهادی و فرزندش یحیی، اشاره‌ای گذرا دارد.

کتاب دیگر، دولة الزیدیه فی الیمن، از حسن خضیری احمد، با ترجمه احمد بادکوبه به چاپ رسیده است. نویسنده در این اثر، تاریخ تأسیس حکومت زیدیه در یمن را در چهار فصل در موضوعاتی همچون: اوضاع سیاسی یمن در آستانه ظهور زیدیان، فراز و نشیب‌های نهضت زیدیه تا تأسیس حکومت، ساختار و کارکرد این حکومت، و موضع سایر مذاهب اسلامی در قبال مذهب زیدی و چالش‌های ترویج این مذهب در یمن تشریح کرده است. اگرچه مباحث مفیدی از این اثر استخراج شده است، اما پرداخت به موانع و چگونگی گسترش و ترویج عقاید تشیع زیدی، ناکافی به نظر می‌رسد.

اثر دیگر، مقاله بسترها و زمینه‌ها و چالش‌های جنبش زیدیه در یمن، نوشته علی یزدانی و فاطمه جان‌احمدی است که در شماره سوم فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است. نویسندگان در این پژوهش، به بررسی بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های حکومت زیدیه در یمن پرداخته‌اند. این مقاله، با توجه به واکاوی عوامل مؤثر در گرایش یمنیان به تشیع زیدی و بهره‌مندی از منابع دست اول، از ارزشی قابل توجه برخوردار است. با این حال، مقاله به بررسی وضعیت سیاسی و مذهبی در دوره‌ای کوتاه محدود بوده و کمتر به مشکلات گسترش مذهب زیدی در قرون بعدی پرداخته است.

مقاله تاریخ سیاسی و خدمات فقهی آل‌رسی در یمن، تألیف فاطمه جان‌احمدی اثر دیگری در این زمینه است که در شماره سوم فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، در سال ۱۳۹۱ انتشار یافته است. نویسنده در این مقاله به تشریح خدمات فرهنگی و تمدنی امامان زیدیه در یمن در بازه زمانی ۲۸۴ تا ۴۵۵ ق پرداخته است. با این حال، به موانع و چالش‌های پیشروی مذهب تشیع زیدی در یمن اشاره مستقیمی ندارد و دوره نخست حکومت زیدیه در یمن و جانشینان الهادی را به اختصار بررسی می‌کند.

اثر دیگر، مقاله مفهوم امامت زیدی و تأثیر آن بر شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی

اجتماعی شیعیان این فرقه در قرون دوم و سوم هجری قمری، نوشته یعقوب پناهی، محمدعلی چلونگر، اصغر منتظرالقائم و وحید سعیدی است که در شماره ۲۱ فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. این مقاله با اتخاذ رویکردی کلامی-تاریخی، به واکاوی مفهوم امامت در مذهب زیدیه در قرون دوم و سوم هجری می‌پردازد و پیامدهای این اندیشه را بر تحولات اجتماعی و سیاسی آن دوران مورد کنکاش قرار می‌دهد.

با وجود تمرکز بر تبیین مفهوم امامت در زیدیه، مقاله حاضر به بررسی موانع گسترش تشیع در این قرون، به ویژه در منطقه یمن، و همچنین اندیشه امامان زیدیه در این سرزمین نمی‌پردازد.

۱. امامان رسی و تشکیل حکومت مستقل شیعه زیدی

یمن در قرن نخست خلافت عباسی، تحت حاکمیت عباسیان بود تا اینکه الهادی یحیی بن حسین بن قاسم رسی، متولد ۲۴۵ق، در سال ۲۸۴ق حکومتی مستقل به نام شیعیان زیدیه را در یمن پایه‌گذاری کرد. جایگاه دینی و اجتماعی امام زیدی، در روند گسترش تشیع و تحولات سیاسی، نقشی اساسی داشت. می‌توان گفت شخصیت و روحیه رهبران زیدی، یکی از عوامل تأثیرگذار در ترویج عقاید تشیع زیدی بوده است. امامان رسی با دارا بودن روحیه اجتماعی و ارتباط با توده مردم و نیز ویژگی‌های اخلاقی نظیر زهد، تقوا و عدالت خواهی، از جذابیت و محبوبیت خاصی نزد مردم برخوردار بودند. آنها با روحیه جهادی و ظلم ستیزی موفق شدند نه تنها در منطقه یمن اقتدار عباسیان را به چالش بکشند؛ بلکه با داشتن «راهبرد» توانستند در اواخر قرن سوم، سلسله امامان رسی را تأسیس کنند. آنان در صدد بودند امور و شئون زندگی مردم را بر اساس عدالت و ارزش‌های اسلامی، تدبیر و اداره نمایند و با قیام به سیف و تأسیس حکومت، جامعه را از انحراف، ظلم، وابستگی و نیرنگ، پاکسازی کنند. امامان زیدیه با شجاعت و اقتدار به دنبال تشکیل حکومت بودند و خود را صاحب حق برای حکومت می‌دانستند؛ چراکه حکومت را ارث به جای مانده از پیامبر اکرم ﷺ می‌دانستند (حُلّی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۳۹).

الهادی (م ۲۹۸ق) درباره امامت می‌گفت: «اگر می‌دانستم در این دوره، شخصی برای

تصدی امامت، شایسته‌تر از من است، یا آنکه فردی از اهل بیت علیهم‌السلام را می‌شناختم که بهتر از من عهده‌دار این کار باشد، از او پیروی می‌کردم» (علوی، ۱۴۰۱، ص ۱۷ و ۱۱۰). الهادی در سفر اول خود، از راه طبرستان^۱ به یمن آمد و قبایل صنعاء دعوت او را پذیرفتند، اما پس از چندی از اوامر او سر باز زدند و الهادی به دلیل عدم حمایت و آمادگی مردم یمن به مدینه بازگشت (علوی، ۱۴۰۱، ص ۳۶). او پس از ورود مجدد به یمن در سال ۲۸۴ق، با اقدامات علمی و فرهنگی، تا حدودی زیدیه را در مسیر رشد و تکامل فرهنگی قرار داد و با ارائه مبانی فکری زیدیه که وام‌دار جدّ خود «قاسم رسی» بود، کوشید مبانی و اصول اعتقادی را بیش از پیش به امامیه نزدیک‌تر نماید. رویکرد الهادی در مواجهه با تفکر دینی، عقلی و نقلی بود، اما بیشتر تحت تأثیر معتزله و عقل‌گرایی قرار داشت و در کتبش از استدلال‌های عقلی به وفور استفاده می‌کرد. با توجه به اینکه زیدیان یک جریان سیاسی رادیکال و عمل‌گرا بودند، در ابتدای دوران شکل‌گیری، کمتر به مباحث فرهنگی و اعتقادی پرداختند و بیشتر به دنبال تأسیس حکومت مستقل بودند. در این بخش، به بررسی موانع حکومت زیدیه یمن در گسترش مذهب تشیع زیدی می‌پردازیم:

۲. موانع سیاسی گسترش تشیع زیدی در یمن

در دوره اول حکومت زیدیه یمن، گاهی مشکلات و چالش‌های سیاسی باعث کندی روند گسترش تشیع زیدی می‌شد که در این بخش به آنها اشاره می‌شود. دوره اول حکومت زیدیه، دوره کنش سیاسی-اجتماعی بود و در این دوره پرچالش، امامان زیدیه تا حدودی مقبولیت سیاسی و اجتماعی داشتند. حاکمان زیدی با بهره‌گیری از فرصت‌های به‌وجودآمده از ضعف حکومت مرکزی عباسی و دوری منطقه یمن از مرکز خلافت، درصدد مبارزه با ناهنجاری‌های حاکم بر یمن و روابط میان قبایل برآمدند. در شرایطی که یمنیان به فکر ایجاد دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل بودند، رقابت‌های قبیله‌ای و دست‌درازی‌های مالی و غارت و چپاول خودنمایی می‌کرد. روشن بود که فعالیت‌های سیاسی زیدیان در حکومت‌داری و تعامل با رقیبان و دشمنان، با مشکلات و ناملازمات فراوانی همراه شود.

۱. وی ابتدا رهسپار طبرستان شد و مردم را به سوی خویش دعوت کرد، ولی با مخالفت محمد بن زید که در آن زمان، امام زیدیان طبرستان بود، روبرو گردید (هارونی، ۱۳۸۷، ص ۸۲).

طبیعی است قبایلی که وابسته به حکومت بودند و یا حکومت‌های محلی که به فکر ایجاد دولت مستقل بودند، از تشکیل و تثبیت مذهب زیدیه ناراضی باشند. در این بخش، به مهم‌ترین موانع سیاسی پیشروی مذهب زیدیه یمن پرداخته می‌شود:

۲. ۱. ناامنی و شورش قبایل

در دوره خلافت معتصم عباسی (حک ۲۱۸-۲۲۷ ق)، یمنیان به فکر تشکیل دولت محلی بودند و با شروع خلافت متوکل عباسی (حک ۲۳۲-۲۴۷ ق) نفوذ عباسیان در مناطق دوردست همچون یمن به شدت کاهش یافت. با عزل و نصب‌های متعدد حاکمان و استانداران محلی، به دلیل سوءمدیریت و ناتوانی در اداره ولایات تحت سیطره خود، این مناطق دچار پراکندگی و تفرقه شدند. دوران خلافت معتمد عباسی (حک ۲۵۶-۲۷۸ ق) و معتضد عباسی (حک ۲۷۸-۲۸۹ ق)، روزگار پرچالشی برای سیطره خلافت عباسیان در یمن بود. از این رو در قرن سوم هجری، از تسلط و نفوذ حکومت عباسی در یمن کاسته شد و رقابت میان قبایل شدت گرفت. در این بین، قبایلی همچون: «آل ظریف»، «آل ضحاک»، «دُعَام»^۱ و «آل یَعْفَر» در سال ۲۴۷ ق در صنعا (همدانی، ۱۹۶۳، ج ۲، ص ۱۸۱)، قبایلی نظیر «زیادیان» در زَبَید^۲ (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۱۰۶) و قبیله «آل شراح» در ناحیه عَزْکَبَة، حکومتی خودمختار برپا کردند و به مدت شصت سال (۲۱۸-۲۷۹ ق) در این منطقه فرمان راندند (همدانی، ۱۹۶۳، ج ۲، ص ۶۶). همچنین «اسماعیلیان» از سال ۲۶۸ ق به بعد (حمادی، ۱۹۵۵، ص ۲۰۴) اعلام استقلال کردند و همواره تهدیدی برای سیطره عباسیان در منطقه به شمار می‌رفتند.

یمن در این دوره، جولانگاه آشوب‌ها و جنگ‌های درازمدت قبیله‌ای شده بود و به این ترتیب، آغاز حکومت زیدیان در یمن، با درگیری، آشوب و هرج و مرج همراه بود (مطاع، ۱۴۰۷، ص ۸۰). از سوی دیگر، خشکسالی، ناامنی، گرانی و نابسامانی اقتصادی نیز به مردم فشاری دوچندان وارد آورده بود (علوی، ۱۴۰۱، ص ۴۱) و قبایل آل ضحاک در سکونت گاه حاشِد،

۱. دُعَام: «دُعَام بن ابراهیم» رئیس قبیله همدان، و از امرای معروف یمن است. وی به جود، یاری به دیگران، سوارکاری و زیرکی شهرت داشت و در حدود سال ۲۹۸ ق درگذشت (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۳، ص ۱۷).

۲. زَبَید: نسب این قبیله، به قبایل بزرگ مذحج می‌رسد و طبق نظر نسب‌شناسان، زَبَید لقب نیای قدیم آنان «منبه بن صعب بن سعد العشیره بن مالک» و فرعی از مجمع القبایل «کهلان بن سبا بن یثجب بن یعرب بن قحطان» است (قلقشندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۷).

آل دَعَام در جوف، آل ابی مفلَس در دُمْلُوَه (همدانی، ۱۹۶۳، ص ۱۴۲)، آل کَزندی در مَعافَر، آل یُعِفِر در صنعا، شَبام و کُوبان (قلقشندی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۷)، آل مَنافی در مُذَیخَرَه (همدانی، ۱۹۶۳، ص ۱۹۵) و آل طَریف هرکدام درصدد دست یافتن به حکومت مستقل بودند و بر سر قدرت با یکدیگر می جنگیدند. در این میان نباید وجود قَرمطیان را نادیده گرفت. قَرمطیان رقیب نیرومندی برای زیدیه به شمار می آمدند. آنها با الهادی و دیگر امامان زیدیه به مقابله برخاستند و مانع پیشروی زیدیه در یمن بودند (محلّی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۳۷). به گفته نویسنده کتاب تاریخ الیمن، الهادی جنگ های متعددی با قرامطه داشته و گفته شده است که در ۷۳ جنگ علیه آنان شرکت جسته و آنان را شکست داده است (شرف الدین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۲۸-۲۲۹).

با گسترش دعوت داعیان اسماعیلی همچون ابن فضل یمانی^۱ (م ۳۰۲ ق) و ابن حوشب کوفی^۲ (م ۳۰۳ ق) (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۴۰) در یمن در سال ۲۶۸ ق و افزایش پیروان و حامیان او، وی الهادی را به جنگ فکری و نظامی با آنها ترغیب کرد. داعیان اسماعیلی با حمایت قبیله همدان موفق شدند صنعا را در سال ۲۹۳ ق تسخیر کنند و علی بن فضل توانست مناطق گسترده ای از یمن را تصاحب نماید (همدانی، ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۲۷-۲۸). با این حال، علی رغم پیروزی های مکرر ابن فضل، الهادی از مرزهای حکومت خود دفاع کرد و تا پایان عمر خود در نبردهایی متعدد، به مقابله با اسماعیلیان پرداخت (خضیری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

شورش و تمرد قبایل، گاهی به دلیل مسائل اقتصادی و فرار از پرداخت مالیات و زکات (علوی، ۱۴۰۱، ص ۹۸) و گاه نیز بر سر بهره برداری از معادن نقره در منطقه رضراض^۳ صورت می گرفت (همدانی، ۱۹۸۹، ص ۱۲۸). علاوه بر این، اجرای احکام و اعمال قوانین دینی - مذهبی الهادی، که در برخی مناطق با عادت به مصرف شراب (حسنی، ۱۴۲۳، ص ۵۷۰) و بدحجابی (علوی، ۱۴۰۱، ص ۳۸۶) روبرو بود، با مقاومت برخی قبایل مواجه شد (حسنی، ۱۴۲۳، ص ۵۷۷). علوی در کتاب

۱. علی بن فضل جدنی خنفری جیشانی منسوب به ذی جدن و از داعیان اسماعیلیان در یمن است.

۲. ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب بن زاذان نجار کوفی ملقب به «منصور الیمن»، از داعیان اسماعیلی سده سوم هجری بود. وی از مدعیان مهدویت بود و لقب منصور، به داعیه او دلالت دارد؛ چون در سرزمین یمن، مهدی را منصور می خوانند. وی اصالتاً ایرانی و از اهالی کوفه و نخست، شیعه دوازده امامی بود، ولی پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) به اسماعیلیه گروید (حسنی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۴).

۳. رضراض، منطقه ای در همدان است که معادن نقره دارد و در نزدیکی آن روستای بزرگ و سرسبزی است که قبیله رویه در آن ساکن هستند (همدانی، ۱۹۸۹، ص ۱۲۶-۱۲۸).

سیره الهادی به تقابل و دشمنی قبایل در برابر الهادی اشاره می‌کند و یادآور می‌شود هنگامی که الهادی نامه‌ای به مردی از آل طریف به نام ابومحجن فرستاد و او را به اطاعت از خود فراخواند، ابومحجن فرستاده الهادی را کتک زد و موی سر و صورت او را کوتاه کرد (علوی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۰).

به هر ترتیب، دولت نوپای زیدیه طی این سال‌ها روی آرامش ندید و شورش‌ها و جنگ‌های پی‌درپی با سران قبایل و دولت‌های یمنی، مانع توسعه طلبی او شد. در این میان، نیروی نظامی الهادی به ضعف نهاد و وی یاران باوفایش را از دست داد (محلی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۵). از این رو به حکومت مناطق شمالی در صعده، نجران و همدان بسنده کرد و به همین دلیل، مذهب شیعه زیدی، به مناطق دوردست یمن و خارج از حوزه نفوذ حکومت زیدی گسترش نیافت (علوی، ۱۴۰۱، ص ۳۸۴). الهادی و غالب امامان پس از او، برای تثبیت حکومت، به شدت درگیر مسائل سیاسی و نظامی بودند و کمتر فرصت کافی برای پرداختن به موضوعات فرهنگی و شناساندن مذهب تشیع به مردم یمن داشتند و به تغییرات مذهبی عمیق و طولانی مدت قادر نبودند.

۲. سیاست‌های قاطع و سخت‌گیرانه حاکمان زیدی

حکمرانان زیدی با مشروعیت مبتنی بر دین توانستند باورهای عمومی و اطاعت‌پذیری مردم را نسبت به حاکمیت خویش تقویت کرده و با استفاده از سیاست‌های اقتصادی و امنیتی، توجه گروه‌های فقهی، علمی و فکری جامعه و اهل ذمه را به سوی خود جلب نمایند. الهادی، به امامت و تشکیل حکومت، اشتیاقی وافر داشت (همان، ص ۴۹). او معتقد بود که جامعه، نیازمند رهبر و امامی توانمند است و می‌گفت: «به خدا سوگند! آرزو داشتم که خداوند اسلام را به دست من سامان دهد و من به ستاره پروین دست می‌یازیدم و آنگاه بر زمین فرود می‌آمدم. پس دعوت من، دعوتی جاهلی نیست» (همان).

۲.۱. اقدامات قاطع در برابر قبایل محلی

حاکمان زیدی که خود را وارث پیامبر ﷺ، مربی اخلاق و ادیب می‌دانستند، در اعمال سیاست‌های قاطع و جدی، تردیدی به خود راه نمی‌دادند. اما این قاطعیت، همواره با

بازتاب مثبتی در افکار عمومی روبرو نمی‌شد. بی‌گمان، چنین رویکردی دستاویزی برای سوءاستفاده مخالفان، رقیبان و دشمنان آنها و ابزاری برای تبلیغات منفی علیه حکومت زیدیه بود. گاه تندروی‌های الهادی در عرصه سیاست و جنگ نیز بر این چالش‌ها می‌افزود و شکاف میان مردم و حاکمان را عمیق‌تر می‌کرد؛ هرچند جنگیدن با مخالفان، باغیان، یاغیان، طاغیان، خاطیان و جانیان، آن هم در این دوره پرآشوب، اجتناب‌ناپذیر بوده است. الهادی در مناسبت‌های مختلف بر منبر می‌رفت و قبایلی را که قصد خیانت و پیمان‌شکنی داشتند، به شدت سرزنش می‌کرد. او پس از تسلط بر منطقه خیوان،^۱ خطاب به مردم چنین گفت: «ای مردم خیوان! ای اهل نفاق و دروغ! اگر فضایل یحیی بن عیسی مانع نمی‌شد، همه شما را به سزای کردارتان می‌رساندم. از این پس اگر در اندیشه توطئه و فتنه باشید، بی‌رحمانه مجازات خواهید شد و نابودتان خواهم کرد» (همان، ص ۱۳۰-۱۴۰).

اقدامات قاطعانه الهادی و برکناری مقامات محلی، باعث سرکشی برخی قبایل و مخالفت آنان شد (حسینی، ۱۴۲۳، ص ۱۲۷). این سخت‌گیری‌ها، طغیان و شورش سایر قبایل را به دنبال داشت و الهادی را به عقب‌نشینی از برخی مواضع خود وادار ساخت (همان، ص ۲۲۰). او با برخی از شورشیان صلح و آشتی نمی‌کرد و با قاطعیت تمام به سرکوب آنها ادامه می‌داد (ابن‌محمد، ۱۹۳۶، ص ۱۳). او با برخی از قبایل مانند «وُداعه»^۲ و «رَبِیعَه»^۳ جنگید و آنان را سرکوب کرد (همان)؛ تاجایی که دستور تخریب خانه‌های قبیله «رَبِیعَه» را صادر نمود (همان، ص ۲۰). وی همچنین دستور داد درختان میوه و نخل‌های قبیله «وُداعه» را قطع کردند (علوی، ۱۴۰۱، ص ۹۰ و ابن‌محمد، ۱۹۳۶، همان، ص ۱۳). او پس از قطع درختان گفت: «پیامبر ﷺ با قبیله بنی‌نضیر همان گونه رفتار کرد» و این آیه را تلاوت نمود: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ»؛ «هر درخت باارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود وا گذاشتید، همه به فرمان خدا بود؛ و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند» (حشر: ۵).

۱. خیوان از شهرهای همدان و در استان عمران کنونی در فاصله ۴۸ کیلومتری شهر صنعا پایتخت یمن واقع شده است (حجری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۲۳).

۲. قبیله وُداعه در روستای شوکان از توابع نجران ساکن هستند و از فرزندان ذی‌ماذن می‌باشند (همدانی، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۲۶۳).

۳. بنی‌حارث بن‌کعب، قبیله عرب قحطانی یمانی از فرزندان «حارث بن کعب بن عمرو بن عُله بن جلد بن مالک» (مَدَحِج) است که نسب آنان به نیای بزرگشان «یَعْرَب بن قحطان» می‌رسد (ابن‌حزم، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۴۷).

یکی از بارزترین ویژگی‌های اندیشه زیدبن علی، تأکید بر مبارزه مسلحانه علیه ظلم و ستم است. او معتقد بود که بر امام واجب است در برابر حاکمان ستمگر قیام کند و با شمشیر، حق و عدالت را به پا دارد، حتی اگر این کار به قیمت جاننش تمام شود (صبحی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۲-۴۸). الهادی نیز با تاسی از اندیشه‌های زیدبن علی در بیان مبارزه امام با ظالمان و ستمگران می‌گوید: «بر امام واجب است در برابر ظلم و ستم ستمگران قیام کند و با شمشیر حق و عدالت، در میدان مبارزه حاضر شود، حتی اگر جان خویش را در این راه فدا کند. او باید پرچم حق و حقیقت را برافرازد و از حقوق مظلومان و ستمدیدگان دفاع کند. امام، خادم و راهنمای مردم است و باید با آنان با مهربانی، عطوفت و عدالت رفتار نماید. او موظف است حق مظلوم را از چنگال ظالم بگیرد و بیت‌المال را به طور عادلانه در جهت رفاه و آسایش مردم به کار گیرد. امام هیچ‌گاه نباید مردم را به امری اجبار کند و همواره باید در مسیر اجرای احکام الهی گام بردارد» (الهادی، ۱۴۲۱، ص ۵۰۸).

اقدامات قاطعانه الهادی، از جمله سرکوب برخی قیام‌ها و شورش‌های قبایل رقیب، هراس را به دل دیگر قبایل انداخت و آنان را موقتاً وادار به اطاعت و پذیرش حاکمیت او کرد. بدین ترتیب، قبایلی همچون: «شاکر»^۱، «ثقیف»^۲، «وادعه» و «یام»^۳ و نیز جمعی از «بنی حارث» با الهادی بیعت نمودند (علوی، ۱۴۰۱، ص ۶۶).

اما مردم صنعا به روش الهادی معترض شدند و او را از ادامه دعوت و جدال با قبایل و گرایش‌های انحرافی و تفرقه‌آمیز برحذر داشتند و آن را مصداق خروج از جماعت مسلمانان عنوان کردند. آنان همچنین با ارسال نامه‌هایی به الهادی، مراتب اعتراض خود را ابراز نمودند. الهادی در پاسخ به این نامه‌ها نوشت: «نامه‌های شما را دریافت کردم. چرا مرا از ایجاد بدعت‌های گمراه‌کننده و گرایش‌های انحرافی و تفرقه‌افکن بیم می‌دهید؛ درحالی‌که

۱. شاکر، قبیله‌ای از همدان و از اولاد «شاکر بن ربیع بن مالک بن معاویه بن صعّب بن دومان بن بکیل بن جشم بن حاشد» است (همدانی، ۱۹۶۳، ج ۱۰، ص ۱۵۴).

۲. ثقیف، یکی از قبایل مشهور، نیرومند و پرجمعیت عرب بود که مردمش در طائف و اطراف آن سکونت داشتند و دو طایفه مهم به نام‌های «احلاف» و «بنی مالک» داشت (ابن عنبه، ۱۳۶۳، ص ۶۵) که جنگ‌ها و نبردهای داخلی بسیاری بین آنها روی داده بود (کحاله، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۷).

۳. یام، قبیله‌ای از همدان و شاخه‌ای از «ابوالعشیره یامی» هستند (همدانی، ۱۹۸۹، ج ۱۰، ص ۶۸-۷۳).

می دانید هیچ بدعتی بنیان نهاده و خلاف دستورات شرعی عمل نکرده و سخنی ناپسند بر زبان نیاورده ام. چگونه می توانم راه حق را رها کرده و به گمراهی کشیده شوم؟! روش و مسلک من، بر پایه توحید و کتاب الهی استوار است» (الهادی، ۱۴۲۱، ص ۵۲-۵۳).

سخنان الهادی گویای آن است که دشمنان، سخن چینان و مخالفان او، برنامه ها و اقداماتش را بر نمی تابند. آنها با جوسازی، جهت دهی به افکار عمومی، تبلیغات دروغین و تحریک به شورش و نافرمانی، درصدد تضعیف حکومت نوپای زیدیه بودند. این افراد با استفاده از فنون تبلیغاتی و انبوه دروغ و اتهام، اصلاحات مثبت الهادی را اقداماتی مخرب جلوه می دادند و در پی گمراه کردن طرفداران او و تضعیف روحیه اش بودند. جو نامناسبی که علیه زیدیه به وجود آمده بود، مانعی بزرگ بر سر راه گسترش مذهب زیدی و تبلیغ آموزه های آن میان مردم به شمار می رفت.

۲، ۲، ۲. عدم مدارا و تسامح با اهل سنت و اهل کتاب

زیدیه در برخی مسائل با اهل سنت اختلاف نظر داشتند. ابن سمره^۱ (م ۵۸۶ ق)، مورخ و فقیه شافعی یمنی در قرن ششم هجری، از قیام الهادی در یمن به عنوان «فتنه» یاد می کند. او معتقد بود که یمن، شاهد دو فتنه بزرگ بوده است: نخست، ظهور قرامطه و اسماعیلیه و دوم، قیام زیدیه و ورود آنها به شهرهای صعده و صنعاء و تبلیغات مذهبی آنها. ابن سمره در ادامه چنین بیان می کند که عده ای از مردم، فریب زیدیه را خوردند و به آنها گرویدند و این امر باعث تفرقه و چنددستگی در میان مردم شد (ابن سمره، بی تا، ص ۷۴-۸۰).

الهادی در قبال اقلیت های دینی، به ویژه مسیحیان و یهودیان، سیاست سخت گیرانه ای اتخاذ کرد. یهودیان یمن در دوره ای طولانی از تاریخ، شاهد فراز و نشیب های متعددی در وضعیت زندگی خود بوده اند. با تثبیت قدرت زیدیان، شرایط زندگی و معیشت یهودیان رو به وخامت گذاشت. زیدیان مانع از هرگونه ارتباط بین یهودیان و مسلمانان می شدند و با اعمال

۱. ابوالخطاب عمر بن علی بن سمره بن حسین بن سمره جعدی، در نواحی مختلف یمن از جمله آیین از جانب طاهر بن یحیی به قضاء و افتاء می پرداخت. وی شهرت خویش را مرهون کتاب «طبقات فقهاء الیمن» است که در آن به شرح احوال فقیهان یمن از روزگار پیامبر ﷺ تا عهد خویش پرداخته و آنچه از اخبار و زندگانی و مصنفات آنان به دست آورده، بیان کرده است (جعدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷).

محدودیت‌های شدید، بر آنان فشار می‌آوردند. این رویکرد سخت‌گیرانه، در قبال مسیحیان نجران^۱ نیز ادامه داشت (یحیی بن حسین، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

الهادی با انعقاد پیمان با مسیحیان مقرر کرد که:

- یک‌نهم از محصول زمین‌های کشاورزی را که پیش از این از مسلمانان خریده بودند، به عنوان خراج به مسلمانان بپردازند؛

- از آن پس، حق خرید زمین از مسلمانان را نداشته باشند؛

- زمین‌هایی را که پس از فتح اسلام از مسلمانان خریده‌اند، به مالکان مسلمانان بازگردانند؛

- همچنین موظف به پرداخت جزیه به مسلمانان باشند (علوی، ۱۴۰۱، ص ۷۶-۷۷).

الهادی همچنین دستور داد که:

- از هریک از اشراف، ۴۸ درهم؛

- از هریک از طبقه متوسط، ۲۴ درهم؛

- و از هریک از فقرا و ضعفا، دوازده درهم به عنوان مالیات اخذ شود. این مالیات، صرف

حمایت از مسلمانان می‌شد (همان، ص ۷۲-۷۶).

سیاست‌های سخت‌گیرانه الهادی در قبال قبایل، ادیان و مذاهب، اذهان آنها را آشفته می‌کرد. همچنین دستاویزی به دشمنان می‌داد تا با تبلیغات منفی، حکومت نوپای شیعی زیدیه را ضعیف جلوه دهند و موجی از شیعه‌هراسی و دشمنی فکری و عملی با مذهب تشیع به راه اندازند. هدف اصلی مخالفان از این تبلیغات منفی، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم عادی و حتی طرفداران الهادی و حکومت زیدی بود.

الهادی که خود را امام می‌دانست، شخصیتی کاریزماتیک^۲ و مورد احترام داشت. او با الگوگیری از سیره پیامبر ﷺ، احیای امر به معروف و نهی از منکر، انجام اصلاحات سیاسی و فرهنگی، ارسال نامه‌ها و سخنرانی‌ها، و تالیف کتاب، توانست مردم را جذب خود کند و آشفته‌گی‌های سیاسی و فرهنگی و تبلیغات سوء مخالفان را تا حد زیادی از بین ببرد.

۱. نجران، در نقطه مرزی حجاز و یمن و در جنوب شرقی مکه قرار دارد (حموی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۰۸) و در آغاز اسلام، این نقطه تنها منطقه مسیحی‌نشین حجاز بود که به آیین مسیح گرویده بودند (همان، ص ۲۶۶-۲۶۷).

2. Charismatic.

۲، ۳. ناتوانی جانشینان در اداره حکومت

پس از درگذشت الهادی، زمام امور به دست فرزندش، محمد مرتضی رسید، اما او در مقایسه با پدرش، در مواجهه با چالش‌های سیاسی ناتوان بود. دیری نگذشت که اختلافات در دربار بالا گرفت و پس از کشمکش‌های درون‌خاندانی، محمد مرتضی ناچار شد پس از سه سال حکومت، به نفع برادرش، احمد ناصر از مسند خلافت کناره‌گیری کند. جانشینان الهادی در بیشتر اوقات با یکدیگر و با حکومت مرکزی، درگیر رقابت و نزاع بودند. در همین حال، قدرت دولت‌های رقیب و نیز گروه‌هایی مانند اسماعیلیان افزایش می‌یافت (زید، ۱۹۹۷، ص ۱۶). پس از مرگ احمد ناصر (م ۳۲۲ یا ۳۲۵ ق)، میان فرزندان او بر سر خلافت اختلاف افتاد و حکومت زیدیه رو به ضعف و زوال نهاد. همچنین خطر وقوع جنگ داخلی و تجزیه خلافت زیدیه نیز قوت گرفت.

پس از مرگ یحیی بن احمد، نزاعی بر سر امامت میان برادرانش در گرفت. در سال ۳۳۰ ق، مردم صعده با حسن بن ناصر بیعت کردند. حسن با برادرش، مختار درگیر شد و مردم صعده از مختار حمایت کردند. سرانجام دو برادر صلح کردند، اما مختار پس از مدتی پیمان صلح را نقض کرد و با حسن جنگید و پیروز شد. یمن در این دوران، گرفتار آشوب و ناامنی بود. این کشمکش‌ها حدود شصت سال به طول انجامید تا اینکه در سال ۳۸۸ ق، المنصور قاسم بن عیانی، از نوادگان قاسم رسی، به حکومت رسید. او با قدرت و نفوذ خود، قلمرو حکومت را تا نجران و تباله گسترش داد، اما با مخالفت مردم صعده و نجران روبرو شد. از این رو، قاسم بن عیانی به صعده لشکرکشی کرد و مردم آن سامان را به اطاعت خود درآورد. با این حال، این آرامش دیری نپایید و بار دیگر آشوب و اغتشاش در شهرهای مختلف یمن پدیدار شد. قبایل حمیر، خولان، همدان، بنی شهاب و الأنباء با یکدیگر درگیر شدند (عیانی، ۱۴۲۴، ص ۹۷). سرانجام در سال ۳۹۲، قاسم بن عیانی، به نفع داعی یوسف، از مدعیان حکومت رسی، از امامت کناره‌گیری کرد (شرف‌الدین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۶۹-۲۷۰).

یوسف بن یحیی (م ۴۰۳ ق) سال‌های متمادی، برای تصاحب مقام امامت در تلاش بود و سرانجام کشته شد (بغدادی، ۱۹۵۱، ج ۲، ص ۵۵). پس از او، احمد بن موسی ضحاک مدعی

حکومت شد. مردم صنعا که از ضعف شدید ضحاک در اداره حکومت به ستوه آمده بودند، از جعفر بن قاسم برای به عهده گرفتن زمام امور دعوت کردند. جعفر بن قاسم نه تنها موفق به احیای قدرت زیدیه شد، بلکه گام‌هایی اساسی در راستای گسترش تشیع نیز برداشت (الفقی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۳-۱۱۴).

حسین بن قاسم عیانی (م ۴۰۴ ق)، پس از درگذشت پدرش، بر مسند امامت زیدیان یمن تکیه زد و زمام امور را به دست گرفت. او نیز مانند پدرش، با رقبای سرسخت و دشمنان داخلی متعددی روبرو بود. محمد بن قاسم بن حسین زیدی، از نوادگان زید بن علی، که در سال ۴۰۳ ق به دست حسین بن قاسم به قتل رسید، یکی از این رقبای اصلی بود و مدعی امامت زیدیه نیز به شمار می‌رفت (ابن ابی الرجال، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۷۸-۸۵). یوسف بن یحیی بن ناصرالدین الله نیز که از سال ۳۶۸ ق مدعی امامت زیدیه بود، رقیب و مخالف جدی حسین بن قاسم محسوب می‌شد. او با وجود بیعت با حسین بن قاسم در دوران زمامداری قاسم عیانی، تا زمان کشته شدنش در صعه در سال ۴۰۴ ق، به مخالفت با او ادامه داد (همان، ص ۷۸).

حکومت حسین بن قاسم در یمن، به دلیل ضعف مدیریت و سیاست‌های سخت‌گیرانه او دیری نپایید. قبایل و طوایف یمنی که از عملکرد او ناراضی بودند، با او به مخالفت برخاستند و با قبایل مخالف او متحد شدند. این اتحاد، منجر به چندین جنگ بین حسین بن قاسم و مخالفانش شد (ربعی، ۱۴۱۳، ص ۴۰-۴۱). سرانجام در سال ۴۰۴ ق، در جنگی سخت در منطقه بَوْن (محلی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۱)، حسین بن قاسم مغلوب شد و جان خود را از دست داد. او در شهر ریده به خاک سپرده شد (همان). مرگ حسین بن قاسم، برخی از پیروان او را به شدت متأثر کرد. آنها از پذیرش مرگ او امتناع می‌ورزیدند و مدعی بودند که او همان مهدی موعودی است که پیامبر خدا ﷺ نوید ظهورش را داده بود. این افراد معتقد بودند که حسین بن قاسم پس از مدتی غیبت، برای برقراری عدالت بازخواهد گشت (همان). این باورها و ادعاهای غالیانه و اغراق‌آمیز، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرقه‌ای به نام «حسینیة»^۱ شد.

نزاع‌ها و کشمکش‌های قدرت میان مدعیان امامت و حکومت، مانعی بزرگ بر سر

۱. برخی منابع، از پیدایی این فرقه در زمان حیات حسین بن قاسم سخن گفته‌اند (قاسمی، ۱۴۲۴، ص ۴۱۵ و موسوی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶-۱۳۷).

راه گسترش مذهب تشیع زیدی بود. این درگیری‌ها و جنگ‌های پی‌درپی، از یک سو، بدبینی مردم را نسبت به مذهب شیعه زیدیه برانگیخت و از سوی دیگر، فرصت لازم برای فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در جهت ترویج این مذهب را از حاکمان سلب کرد. اختلاف‌ها میان برادران، کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی و ناتوانی جانشینان الهادی در اداره امور، قدرت سیاسی زیدیان را به شدت تضعیف کرد. بی‌ثباتی در حکومت، زمینه‌ساز شکست سنگینی از اسماعیلیان صلیحی شد و زیدیان را به تاریکی و انزوا فرو برد. این دوران که حدود صد سال به طول انجامید، به «دوره انحطاط زیدیان» مشهور است (الفقی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۴-۱۱۵). برخی مورخین، این دوره (از حکومت الهادی تا قاسم بن عیانی) را «عصر اضطراب و آشفتگی سیاسی» می‌نامند (الحداد، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷).

۳. موانع فرهنگی گسترش تشیع زیدی

تشیع زیدیه با وجود سابقه‌ای دیرینه و نقش آفرینی در تاریخ اسلام، از چالش‌های فرهنگی متعددی رنج می‌برد که مانع از گسترش کامل اندیشه‌ها و آموزه‌های آن شده است. این موانع، در دوره‌های مختلف تاریخی، حیات و پویایی فرهنگی زیدیه را تحت الشعاع قرار داده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱.۳. اختلاف و انشقاق فرهنگی

علاوه بر نفوذ انگیزه‌های سیاسی و مادی در میان برخی حاکمان و جانشینان، ضعف‌های فرهنگی نیز چالش‌هایی را در مسیر گسترش تشیع زیدیه در دوره نخست حکومت آنان پدید آورد. از میان رفتن اتحاد درونی حکومت زیدیه با به قدرت رسیدن جانشینانی ناکارآمد، انسجام درونی این حکومت نوپا را سست کرد و نقشی اساسی در زوال قدرت آنها ایفا نمود. در این میان، گسترش تدریجی مذاهب و نحله‌های دیگر مانند اهل سنت و اسماعیلیه، در تضعیف باورها و عقاید شیعیان زیدی و کند شدن روند گسترش تشیع در این دوره مؤثر بود. انشعابات زیدیه، از جمله پیروان قاسمیه (طرفداران مکتب قاسم رسی، م ۲۴۶ ق)^۱ و هادویه

۱. نام کامل او ابومحمد قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم طباطبای بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است (هارونی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

(طرفداران الهادی، م ۲۹۸ق)، اختلافات میان زیدیان را چنان عمیق کرد که به جنگ‌های خونین چندین ساله میان آنها منجر شد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰۷ و ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۴۶). از مواردی که در انشقاق درونی شیعه زیدی از اهمیت بیشتری برخوردار است عبارتند از:

الف) انشعابات حاصل از اختلاف بر سر تشخیص مصداق امام؛

ب) اعتقاد به مهدویت و اختلاف بر سر تعیین مصداق موعود؛

ج) فراوانی امامان و پیدایش فرقه‌های مختلف؛ تاجایی که رأی واحدی در معرفی تعداد فرقه‌ها وجود ندارد و صاحبان ملل و نحل و فرقه‌شناسان، آمار متفاوتی را ارائه می‌دهند.

از دیگر اختلافات عقیدتی و انشقاق فرهنگی، می‌توان به پیدایش «مُطْرِفِیه» اشاره نمود. مطرف بن شهاب بن عمرو بن عباد شهابی (م ۴۵۹ق) در دوره فترت و انزوای زیدیه و زمان قدرت گرفتن حکومت صلیحیان توانست با ارائه دیدگاه‌های کلامی جدید، این فرقه را تأسیس کند (العرشی، بی‌تا، ص ۲۴). پیروان مطرفیه معتقدند که خداوند چهار عنصر آب، آتش، خاک و باد را آفریده و باقی اشیاء را از این چهار عنصر به وجود آورده است و خدا دیگر دخالت مستقیمی در خلقت ندارد (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵) و بدین‌رو توحید در ربوبیت را قبول ندارند. اندیشه و افکار مطرفیه موجب نگرانی عالمان زیدی شد و با مخالفت شدید آنها مواجه گردید تاجایی که موجب مهاجرت عالمان زیدی همچون زید بن حسن بروقنی بیهقی (م ۵۵۲ق) از ایران به یمن گردید (زید، ۱۹۹۷، ص ۷۵). عالمان زیدی همچنین با مناظره و تألیف کتاب، به ردّ مطرفیه پرداختند تاجایی که پس از دوره فترت و آغاز قرن ششم، ردیه‌نویسی علیه مطرفیه به عادت تبدیل شد (مادلونگ، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹). سرانجام عالمان زیدی توانستند پیروان مطرفیه را سرکوب کنند. هرچند ظهور مطرفیه طولانی نبود، اما نزدیک به دو قرن، فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یمن را تحت تأثیر خود قرار داد.

نداشتن رهبری واحد و متمرکز، شکاف‌هایی را در جبهه زیدیه ایجاد کرد و فرقه‌های متعددی با اختلافات عقیدتی عمیق پدید آورد. این امر، انسجام و همبستگی پیروان زیدیه را به شدت خدشه‌دار کرد. چندی‌دستی، انشقاقات درونی و دامن زدن دشمنان به این اختلافات، حیات زیدیه را در اواخر دوره اول به مخاطره انداخت و قلمرو حکومت آنان را به

شهرهای صنعا و صعده محدود کرد و ترویج و تبلیغ مذهب تشیع را با چالش‌های جدی روبرو ساخت.

۲، ۳. چالش امامت و مهدویت در میان زیدیان

زیدیه، در طول تاریخ، با چالش‌های متعدد فرهنگی روبرو بوده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی، تضعیف امر به معروف و نهی از منکر و اختلاف نظر در موضوعات مهمی همچون غلو، بدعت‌گذاری و مهدویت اشاره کرد.^۱ در میان چالش‌های زیدیه، موضوع مهدویت و ظهور مدعیان موعود، از اهمیت خاصی برخوردار است. این موضوع، پس از امامت، دومین مسئله محوری در اندیشه زیدیه به شمار می‌رود. با این حال، اختلاف نظر در تعیین مصداق مهدی موعود، تناقضات و اشکالاتی را در این مبحث ایجاد کرد. در دوره اول حکومت زیدیه، مدعیان مهدویت ظهور کردند^۲ و اختلاف جدی زیدیه در باب مهدویت، از یکی از امامان زیدیه یمن در اوایل قرن پنجم هجری آغاز شد. این چالش‌ها تا به امروز، در زیدیه به طور کامل مرتفع نشده و همچنان به عنوان موضوعاتی مورد بحث و گفتگو باقی مانده‌اند.

یکی از موارد مورد اختلاف زیدیه، موضوع حسین بن قاسم عیانی بود. گفتیم که حسین بن قاسم عیانی (م ۴۰۴ ق) در میدان جنگ کشته شد،^۳ اما عده‌ای از پیروانش مرگ او را نپذیرفتند و مدعی مهدویت او شدند و با پیدایی فرقه‌ای جدید به نام «حسینیه»، ویژگی‌های جدیدی همچون: دریافت وحی، اعتقاد به علم غیب و... را به حسین بن قاسم نسبت دادند (حمیری، ۱۹۴۸، ص ۱۵۶-۱۵۷).

۱. زیدیه‌شناسان معتقدند که برخی از این فرقه‌ها قائل به مهدویت نیستند. در تفکر آنها اعتقاد به مهدی منتظر معنا ندارد. از سوی دیگر، چنین اعتقادی منافی با شرط خروج و دعوت به خود در امامت است. در تفکر آنان، هر فاطمی که عالم و... باشد، او امام مهدی است (نوبختی، ۱۳۵۳، ص ۵۵).

۲. از پیشوایان زیدیه که در قرن‌های نخستین درباره آنان ادعای مهدویت صوت گرفته است می‌توان به افراد زیر اشاره نمود: زید بن علی (م ۱۲۲ ق)؛ نفس زکیه، محمد بن عبدالله بن حسن (م ۱۴۵ ق)؛ محمد بن قاسم بن علی (م ۲۱۹ ق) و یحیی بن عمر بن یحیی (م ۲۵۰ ق).

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر از زندگی حسین بن قاسم عیانی، ر. ک: محلی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۵ و یحیی بن حسین، ۱۳۸۸، ص ۲۲۷.

فرقه حسینیّه از قرن پنجم تا هفتم هجری، در کنار جریان سنتی زیدیه در یمن حضور داشت. پیروان این فرقه، حسین بن قاسم را مهدی موعود می دانستند و اعتقادات آنها درباره او، در طول بیش از سه قرن، مورد بحث و جدل موافقان و مخالفان زیدیه بود. در سال ۳۸۷ ق، عیانی در صعده قیام کرد و در مدت کوتاهی بر پایگاه های هادویه، شاخه دیگری از زیدیه، مسلط شد و مناطق دیگر را نیز به تصرف خود درآورد. اما دیری نپایید که با مخالفت شدید هادویه و پیروانشان روبرو شد (محلّی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۱۴). این مخالفت ها، باعث شکل گیری شورش ها و قیام های دیگری نیز گردید؛ از جمله قیام قبیلۀ حارث در نجران به رهبری ابراهیم ملیح بن محمد و یوسف بن یحیی بن احمد که هر دو ادعای امامت داشتند. بر اساس منابع متأخر زیدیه، برخی از نزدیکان و اقوام عیانی، ادعای غیبت و مهدویت او را مطرح کردند (ابن فند، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۷۱۰-۷۱۳).

یکی از باورهای عجیب و منتسب به فرقه حسینیّه، پس از اعتقاد به مهدویت حسین بن قاسم، برتری او نسبت به پیامبر اکرم ﷺ است. آنها این برتری را به دلیل خدماتی می دانند که حسین بن قاسم در جهت گسترش اسلام انجام داده است (حسنی، ۱۴۲۴، ص ۴۹۱-۴۹۳). پیروان این فرقه، فراتر از این نیز رفته و دچار غلو و ادعاهای واهی دیگر شده اند؛ همچون:

- ادعای برتری سخنان حسین بن قاسم نسبت به قرآن مجید (ربعی، ۱۴۱۳، ص ۳۵۱-۳۵۲)؛

- ادعای برتری حسین بن قاسم بر ملائکه (حسنی، ۱۴۲۴، ص ۴۹۵)؛

- ادعای برتری سخنان حسین بن قاسم بر همه کتاب های آسمانی از جمله تورات و

انجیل (همان، ص ۴۹۲)؛

- نزول وحی بر حسین بن قاسم؛

- انجام حج در کنار قبر حسین بن قاسم در عیان (ربعی، ۱۴۱۳، ص ۳۵۳)؛

- جهنمی و کافر بودن غیرمعتقدان به عقاید حسینیّه (حسنی، ۱۴۲۴، ص ۴۹۳).

نتیجه‌گیری

دوره اول حکومت زیدیه در یمن، با فراز و نشیب و موانع و چالش‌های سیاسی و فرهنگی همراه بود که بر گند شدن روند گسترش تشیع زیدی تأثیر مستقیم داشت. موانع سیاسی و فرهنگی همچون: ناامنی و شورش قبایل، سوءاستفاده مخالفان و رقیبان زیدیه و تبلیغات علیه حاکمان زیدی در اثر مواضع قاطعانه و سخت‌گیرانه، ناتوانی جانشینان در اداره حکومت، انشقاقات درونی و فرقه‌سازی و ظهور مطرفیه و حسینیّه و دیگر موانع، باعث گردید که گسترش تشیع زیدی با کندی مواجه شود.

فشار شدید عوامل خلفا و قبایل و حکومت‌های محلی و بومی که به خلافت عباسی متمایل بودند و نیز محدودیت‌سازی فرقه‌های اسماعیلیه و اهل سنت در شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم، بر کندی پیشرفت تشیع زیدی بی‌تأثیر نبوده است. با این وجود، افراد تأثیرگذار و برجسته‌ای از زیدیه مانند قاسم رسی و الهادی توانستند پس از تثبیت حکومت زیدیه، عقاید و آراء شیعه زیدی را در حوزه‌های مختلف فقهی و کلامی، ساماندهی کنند و میراث گران‌بهای از تشیع زیدی را از خود به یادگار گذارند.

هرچند شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر منطقه، آسیب‌ها، فشارها و دشواری‌هایی را برای تشیع ایجاد نمود، اما امامان و حکمرانان زیدی هرکدام بر اساس ظرفیت خود، در روند گسترش تشیع زیدی ایفای نقش کردند. در کنار این، فرصت‌های به وجود آمده، برخی را به این امر وامی‌داشت که به منظور استمرار قدرت و برون‌رفت از مشکلات و بحران‌های درونی و بیرونی، غالباً به مسائل نظامی و جنگ و درگیری مشغول باشند و کمتر به ساماندهی مسائل فرهنگی بپردازند و این امر، در کند شدن ترویج و اشاعه مکتب تشیع مؤثر بود. این مقاله نشان داد که امامان زیدی برای رهایی از ضعف‌ها و برون‌رفت از بحران‌ها، به راهبرد و راهکاری نیاز داشتند تا آنها را از خطرات و آسیب‌های سیاسی و فرهنگی مصون بدارد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الرجال ۱۴۲۵ق، مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه، سعده: عبدالرقيب مطهر محمد حجر.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، ۱۳۸۵ق، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر.
۳. ابن حزم، علی بن محمد، ۱۴۰۳ق، جمهرة انساب العرب، بیروت: عبدالسلام محمد هارون.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ۱۴۰۸ق، دیوان المبتدأ والخیر فی تاریخ العرب والبربر، تحقیق: خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن سمره، عمر بن علی جعدی، بی تا، طبقات الفقهاء الیمن، تحقیق: فواد سید، بیروت: دار القلم.
۶. ابن عنبه، جمال الدین احمد، ۱۳۶۳ش، الفصول الفخریه، تصحیح: جلال الدین محدث ارموی، تهران: علمی و فرهنگی.
۷. ابن فند، محمد بن علی بن یونس الزحیف، ۱۴۲۳ق، مآثر الایار فی تفصیل مجملات جواهر الاخبار و یسمى اللواحق الندیة بالحدائق الوردیة، عمان: عبدالسلام عباس وجیه و خالد قاسم محمد متوکل.
۸. ابن محمد، یحیی بن حسین بن قاسم، ۱۹۳۶م، انباء الزمن فی تاریخ الیمن، تصحیح: محمد عبدالله ماضی، برلین: مکتبه الثقافیه الدینیة.
۹. بغدادی، اسماعیل پاشا، ۱۹۵۱م، هدیة العارفین، استانبول: بی تا.
۱۰. حجرى، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، مجموع بلدان الیمن و قبائلها، قاهره: دار الکتب المصریه.
۱۱. الحداد، محمد یحیی، بی تا، تاریخ الیمن السیاسی، صنعاء: منشورات المدنیة صنعاء.
۱۲. حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن الحسن، ۱۴۲۳ق، المصاییح، تحقیق: عبدالله حوثی، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافیه.
۱۳. حسنی، احمد بن سلیمان، ۱۴۲۴ق، حقائق المعرفة، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافیه.
۱۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۸۵ش، فرهنگ معارف و معاریف؛ دائرة المعارف جامع اسلامی، بی تا: بی تا.
۱۵. حمادی، محمد بن مالک بن ابی الفضائل الیمانی، ۱۹۵۵م، کشف اسرار الباطنیة و اخبار القرامطه، تحقیق: محمد زاهد کوثری، قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۶. حموی، یاقوت، ۱۳۸۰ش، معجم البلدان، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۷. حمیری، نشوان بن سعید، ۱۹۴۸م، الحور العین، قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۸. خضیری احمد، حسن، ۱۳۹۱ش، دولت زیدیه در یمن، ترجمه: احمد بادکوبه هزاوه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. ربعی، مفرح بن احمد، ۱۴۱۳ق، سیره الأمیرین الجلیلین الفاضلین القاسم و محمد ابی جعفر بن الإمام القاسم بن علی العیانی، بیروت: دار المنتخب العربی.
۲۰. زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۹م، الاعلام؛ قاموس تراجم الاشراف الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، بیروت: دار العلم للملایین.

۲۱. زید، علی محمد، ۱۹۷۷ م، تيارات معتزلة اليمن في القرن السادس الهجري، صنعاء: مركز الفرنسي للدراسات اليمنية.
۲۲. شرف الدين، احمد حسين، ۱۳۸۷ ق، تاريخ اليمن الثقافي، قاهره: بی نا.
۲۳. صبحی، احمد محمود، ۱۴۱۱ ق، في علم الکلام دراسة فلسفية لآراء الفرق الإسلامية في اصول الدين، بيروت: دار النهضة العربية.
۲۴. العرشي، حسين بن احمد، بی تا، بلوغ المرام في شرح مسك الختام في من تولى ملك اليمن من ملك و امام، صنعاء: مكتبة الثقافية الدينية.
۲۵. علوی، علی بن محمد عبيدالله عباسی، ۱۴۰۱ ق، سيره الهادي الى الحق، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر.
۲۶. عياني، حسين بن قاسم، ۱۴۲۴ ق، المعجز، تحقيق: سيد عبدالله حنفي، قاهره: الافاق العربي.
۲۷. الفقي، عصام الدين عبدالرئوف، ۱۴۱۴ ق، اليمن في ظل الاسلام، قاهره: دار الفكر العربي.
۲۸. قاضي نعمان مغربي، ۱۳۸۳ ق، دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، تحقيق: آصف بن علي اصغر فيضي، قاهره: دار المعارف.
۲۹. قلقشندی، احمد بن علي، ۱۳۸۳ ق، صبح الاعشى، قاهره: بی نا.
۳۰. كحاله، عمر رضا، ۱۴۱۴ ق، معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، بيروت: موسسه الرساله.
۳۱. مادلونگ، ويلفرد، ۱۳۸۷ ش، مكتب ها و فرقه هاى اسلامى درسده هاى ميانه، ترجمه: جواد قاسمى، مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى.
۳۲. محلى، حميد بن احمد، ۱۴۲۳ ق، الحدائق الوردية في مناقب الائمة الزيدية، صنعاء: مكتبة بدر.
۳۳. مسعودى، علي بن حسين، ۱۴۰۹ ق، مروج الذهب، تحقيق: يوسف اسعد داغر، قم: دار الهجره.
۳۴. مطاع، احمد بن احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، تاريخ اليمن الإسلامى، تحقيق: عبدالله حبشى، بيروت: منشورات المدينه.
۳۵. موسوى نژاد، علي، ۱۳۸۴ ش، «مهدويت و فرقه حسينيه زيديه»، هفت آسمان، ش ۲۷، ص ۱۶۲-۱۲۷.
۳۶. نوبختى، حسن بن موسى، ۱۳۵۳، فرق الشيعة، تهران: بنياد فرهنگ ايران.
۳۷. الهادى، يحيى بن حسين، ۱۴۲۱ ق، مجموع رسائل الامام الهادى، تحقيق: عبدالله بن محمد شاذلى، صنعاء: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
۳۸. هارونى، ابوطالب يحيى بن حسين، ۱۳۸۷ ش، الافادة في تاريخ الائمة السادة، تحقيق: محمداظم رحمتى، تهران: مركز پژوهشى ميراث مكتوب.
۳۹. همدانى، حسن بن احمد بن يعقوب، ۱۹۶۳ م، الاكليل من اخبار اليمن و انساب حمير، تحقيق: محمداكوع حوالى، صنعاء: وزارة الثقافة و السياحة.
۴۰. همدانى، حسن بن احمد بن يعقوب، ۱۹۸۹ م، صفة جزيرة العرب، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
۴۱. يحيى بن حسين، قاسم بن محمد، ۱۳۸۸ ق، غاية الاماني في اخبار القطر اليماني، به كوشش: سعيد عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفى زياده، قاهره: بی نا.
۴۲. يعقوبى، احمد، ۱۴۰۸ ق، البلدان، بيروت: بی نا.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی